

ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی مطالعه موردی: دهستان حصار ولی عصر - شهرستان آوج

جمشید عینالی* - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه زنجان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

چکیده

یکی از مهم‌ترین چالش‌های توسعه روستایی در ایران، تقطیع و پراکندگی زیاد زمین‌های کشاورزی بهره‌برداران است که مدیریت منابع تولید را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته است. بسیاری از پژوهشگران، یکپارچه‌سازی اراضی را راه‌حلی منطقی و اجرایی برای حل این معضل می‌دانند و بر نقش سازنده سرمایه اجتماعی در این فرایند تأکید می‌کنند. هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش سرمایه اجتماعی بهره‌برداران در تشکیل گروه‌های خودجوش محلی و یکپارچه‌سازی زمین‌های پراکنده اعضا از این طریق است. روش تحقیق برای انجام این پژوهش، توصیفی-تحلیلی بود و به‌منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شد. جامعه آماری تحقیق ۲۸۰ نفر از بهره‌برداران کشاورزی در روستاهای دهستان حصار ولی عصر بودند که زمین‌هایشان یکپارچه شده بود. از بین آنها با استفاده از فرمول کوکران، ۱۵۰ بهره‌بردار به‌عنوان نمونه انتخاب شد و پرسشنامه به‌شیوه تصادفی ساده توزیع گردید. روایی پرسشنامه را گروهی از صاحب‌نظران تأیید کردند و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به‌میزان ۰/۹۳۷ محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل کمی داده‌ها از آزمون‌های آماری تحلیل واریانس، کروسکال والیس، همبستگی پیرسون و تحلیل عاملی استفاده شد. نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهند که میانگین عددی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بهره‌برداران، تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. نتیجه تحلیل کروسکال والیس نیز نشان می‌دهد که بهره‌برداران پروژه‌های یکپارچه‌سازی شده در سه روستای مطالعه‌شده در برخورداری از ابعاد سرمایه اجتماعی تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. نتیجه تحلیل عاملی نقش سرمایه اجتماعی در یکپارچه‌سازی اراضی در پروژه‌های اجراشده نشان می‌دهد که سه عامل اعتماد متقابل بین بهره‌برداران، مشارکت و همکاری اعضا و انسجام اجتماعی و مدیریت اشتراکی که عمدتاً با ساختار اجتماعی مناطق روستایی ارتباط نزدیکی دارند، در مجموع نزدیک به ۵۰ درصد از کل واریانس را به خود اختصاص داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی، شهرستان آوج، مدیریت منابع کشاورزی، یکپارچه‌سازی اراضی.

مقدمه

یکپارچه‌سازی اراضی، ابزاری مناسب برای توسعه روستایی و بهبود ساختار مالکیت زمین‌های کشاورزی از طریق کاستن از تقطیع و پراکنش فضایی آنها به‌شمار می‌آید. یکپارچه‌سازی اراضی در ایجاد محیط مناسب برای اقدامات کارآفرینانه کوچک‌مقیاس، زندگی و فعالیت، بهبود زیرساخت‌ها و خدمات روستایی، ایجاد انگیزه برای تنوع‌بخشی به اقتصاد روستایی، و مانند اینها، نقش بسزایی دارد (Ayranci, 2009, 254-55). پژوهشگران، گونه‌های متفاوت تقطیع زمین‌های کشاورزی و تبعات آن را چنین دسته‌بندی می‌کنند: الف) خردشدن فیزیکی (شامل فاصله فضایی، بعد، و اندازه)، افزایش هزینه، افزایش هزینه زمانی، و نظایر آن؛ ب) خردشدن عملیات و فعالیت‌های کشاورزی (شامل کاربری اراضی، مشکل بودن مکانیزاسیون، دسترسی نامناسب، توجه‌نداشتن آبیاری تحت‌فشار، مشکل بودن دسترسی به نهاده‌ها و بازار، و نظایر آن)؛ ج) خردشدن اجتماعی (شامل مایل نبودن بهره‌برداران به انجام فعالیت‌های کشاورزی، مهاجرت و ترک اراضی، تغییرات کاربری، و نظایر آن)؛ و د) خردشدن مالکیت و برهم‌خوردن ساختار مالکیت اراضی (Pasakarnis & Maliene, 2011, 1426).

غلبه بر چالش خردشدن فیزیکی زمین‌های کشاورزی که زمینه را برای سایر جنبه‌های خردشدگی مهیا می‌سازد، اهمیت بسیاری دارد. برای این منظور، سیاست‌های یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی با ترکیب تکنیک‌های کلاسیک یکپارچه‌سازی (بعد از جنگ جهانی دوم تا دهه ۱۹۷۰ با تأکید بر ایجاد اراضی و مزارع بزرگ به‌منظور ارتقای تولید و تأمین امنیت غذایی در کشورهای درحال توسعه) و رویکردهای مشارکتی (حرکت داوطلبانه و مشارکتی، تقاضامحور و مبتنی بر بازار به‌عنوان مهم‌ترین رویکرد مدیریت اراضی) به‌عنوان بهترین راه اجرا برای ایجاد واحدهای تولیدی بهره‌ور که اندازه و ساختار مناسبی دارند، شناخته شده‌اند (FAO, 2008). در رویکردهای جدید مدیریت اراضی به همکاری جامعه محلی برای استفاده از منابع کمیاب و توجه به اجزای فضایی منظم از طریق اقدامات یکپارچه‌سازی به‌منظور دستیابی به نتیجه نهایی مطلوب، تجدید حیات اقتصادی-اجتماعی پایدار و توسعه سیاسی برای جامعه محلی توجه شده

است (Akkaya et al., 2007, 205). در این فرایند، سرمایه اجتماعی بهره‌برداران از طریق تأکید بر نقش اعتماد، همکاری متقابل، انسجام، و فعالیت شبکه‌های محلی - به‌عنوان عامل اصلی اما پنهان- مطرح است. سطح برخورداری از این سرمایه می‌تواند بر چگونگی اجرای سیاست‌های مشارکتی یکپارچه‌سازی اراضی، تفاوت در میزان و سطح بهره‌وری عوامل تولید، کارآفرینی گروهی، و تنوع‌بخشی به اقتصاد روستایی تأثیر بسزایی بگذارد (APO, 2006, 1). به عبارت دیگر، به عقیده برخی از پژوهشگران سرمایه‌های اجتماعی، بهره‌برداران می‌توانند در بهبود کارایی شبکه‌های محلی، افزایش اعتماد، و روابط متقابل اعضا در داخل گروه به‌منظور یکپارچه‌سازی اراضی پراکنده نقش بسیار مهمی در تسهیل‌گری فعالیت‌ها داشته باشند (Moazami, 2006, 68-9). در مطالعه حاضر کوشش می‌شود به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: آیا سرمایه اجتماعی بهره‌برداران (اعتماد، همکاری، شبکه‌های محلی، و انسجام گروهی در یکپارچه‌سازی اراضی پراکنده آنان در روستاهای مطالعه‌شده مؤثر بوده است؟ مهم‌ترین عوامل ناشی از ابعاد سرمایه اجتماعی در موفقیت اقدامات یکپارچه‌سازی گروهی و توافقی اراضی از دیدگاه بهره‌برداران چیست؟

مبانی نظری

مبانی نظری تحقیق به دو بخش بررسی مفاهیم، تعاریف، و ابعاد سرمایه اجتماعی؛ و بررسی منابع و تجربه‌ها در زمینه نقش سرمایه اجتماعی در یکپارچه‌سازی اراضی تقسیم شده است.

سرمایه اجتماعی: مفاهیم، تعاریف، و ابعاد

سرمایه اجتماعی به‌عنوان رویکردی چندبعدی، از طریق ایجاد سازمان‌های اجتماعی برپایه اعتماد، هنجارها، و روابط شبکه‌ای شکل می‌گیرد (پاتنام، ۱۹۹۵، ۱۹) و به‌عنوان دارایی جمعی نقش مهمی در تسهیل هماهنگی اقدامات و تقویت ظرفیت‌های گروه‌های محلی در دستیابی به اهداف توسعه روستایی ایفا می‌کند (Khan, 2011, 11). این سرمایه برخلاف سایر انواع

سرمایه‌ها مالکیت فردی ندارد و محصول زندگی جمعی و متعلق به اعضای جامعه است و در صورت مصرف، غنای آن افزایش می‌یابد (APO, 2006, 32).

مطالعات متعدد، بر سه بعد اصلی ساختاری، شناختی، و رابطه‌ای سرمایه اجتماعی تأکید دارند (Gómez-Limón et al., 2012, 2). بعد ساختاری سرمایه اجتماعی متشکل از تعاملات اجتماعی (روابط بین انسان و نهادها) و دربرگیرنده قوانین، شبکه‌های اجتماعی، انجمن‌ها، نهادها، نقش‌ها، و رویه‌هاست و با نظارت و حکمرانی، ارزش‌ها، اعتماد و هنجارها - که بیشتر جنبه شناختی دارند- تکمیل می‌شود (Vera-Toscano et al., 2012, 6). در بعد ساختاری نشان داده می‌شود که افراد و گروه‌ها چگونه می‌توانند با استفاده از روابط داخل ساختار تعاملات، به امتیازهای مشخصی دست یابند (پاتنام، ۱۳۸۰، ۱۸۳). چنین پیوندهایی به گروه‌ها اجازه می‌دهند تا به منابع، ایده‌ها، و اطلاعات نهادها و مؤسسات دسترسی پیدا کنند و به تواناسازی اعضای گروه برای اقدامات مؤثرتر اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی - به‌ویژه در سطح خرد- کمک می‌کنند (Evans & Syrett, 2010, 57).

بعد رابطه‌ای سرمایه اجتماعی، انواع روابط فردی را که از طریق تعداد تعامل‌ها ایجاد شده است، تشریح می‌کند (Gómez-Limón et al., 2012, 4). مشخصه اصلی این بعد در متغیرهایی از قبیل اعتماد و اعتبار، هنجارها، تأیید، تعامل و روابط متقابل، نهادینه شده است و به «امنیت ذهنی» که شامل تصورات ذهنی جوامع محلی از امنیت مکان زندگی‌شان است، می‌پردازد (Vera-Toscano et al., 2012, 4).

بعد شناختی سرمایه اجتماعی با منابعی با کدهای مشترک یا یک پارادایم اشتراکی^۱ مرتبط است، که درک و شناخت عمومی اهداف جمعی را امکان‌پذیر می‌سازد و در فقدان پیوندها و روابط مشخص بین اعضای گروه، شیوه‌های صحیح اقدام در نظام اجتماعی را از طریق فعالیت گروهی و خرد جمعی تسهیل می‌کند (Ishihara & Pascual, 2013, 9). کولمن از این بعد

1. Joint code or a shared paradigm

به‌عنوان «جنبه کالای عمومی سرمایه اجتماعی» یاد می‌کند و معتقد است که سطح اطلاعات و دانش افراد، نقش تعیین‌کننده‌ای در میزان مشارکت در فعالیتهای گروهی و زندگی عمومی آنها دارد (Coleman, 2002, 112). در بعد شناختی به سازگاری ارزش‌های افراد با ارزش‌های اجتماعی توجه می‌شود و تأثیرگذاری آن به درجه پذیرش و انسجام اجتماعی که به شکل‌گیری اشکال منطقی از رفتار توأم با مشارکت و همکاری منجر می‌شود، بستگی دارد (Gómez-Limón et al., 2012, 5).

سرمایه اجتماعی مکمل سرمایه‌های طبیعی و انسانی در فرایند توسعه روستایی است، و با تأکید بر شبکه‌ای شدن، اعتماد، و روابط در جامعه، نقش زیادی در توسعه روستایی - به‌ویژه ایجاد زمینه‌های کارآفرینی- دارد (Gülümser et al., 2010, 4). سرمایه اجتماعی، عامل محوری پنهان در توسعه روستایی و بهره‌وری عوامل تولید جامعه به‌شمار می‌آید و به‌عنوان آخرین راه برای حل مسائل اجتماعی - اقتصادی جامعه محلی به آن توجه می‌شود (APO, 2006, 7). سرمایه اجتماعی در سطح خرد به سه طریق می‌تواند ایفای نقش کند: ۱. تغییر ذهنیت‌ها و ارائه تصویری از پتانسیل‌های توسعه؛ ۲. تقویت روابط بین گروه‌های محلی و محیط فعالیت از طریق فراهم‌سازی و نشر اطلاعات؛ و ۳. ایجاد رابطه بین گروه‌های توسعه و تصمیم‌گیران (Sabatini, 2009, 432).

سرمایه اجتماعی و نقش آن در یکپارچه‌سازی اراضی

نتایج برخی تحقیقات صورت‌گرفته درباره اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه جوامع روستایی، بر نقش اساسی آن در اشتراک‌گذاری اطلاعات مفید و اجرای موفق‌تر پروژه‌های توسعه تأکید دارد (Nardone et al., 2010, 64). مطالعات نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی با شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در ارتقا و تسهیل ظرفیت‌های همکاری و اقدام جمعی، توانایی زیادی در رفع مسائل و چالش‌های پیش روی توسعه روستایی دارد (Basile & Cecchi, 2007, 3-4).

ادامه، به نتایج برخی از مطالعات با تأکید بر یکپارچه‌سازی مشارکتی اراضی میان بهره‌برداران پرداخته می‌شود.

بررسی تجربه کشور آلبانی (۲۰۰۲) نشان می‌دهد که رویکرد یکپارچه‌سازی مشارکتی، داوطلبانه، و تقاضامحور در مقایسه با شیوه‌های دیگر هزینه کمتری دارد و به دلیل کارایی بالای آن در افزایش تولید و نیز پذیرش اجتماعی زیاد میان مالکان زمین‌های کوچک با موفقیت همراه است (Childress, 2001, 12). براساس یافته‌های هورجان، میزان موفقیت اجرای سیاست یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی میان بهره‌برداران کوچک بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ در ۶ روستای نمونه در جمهوری مولداوی، با سطح مشارکت بهره‌برداران، اعتماد بین‌گروهی، اعتماد به مجریان و همکاری با شبکه نهاد‌های محلی مرتبط بوده است (Horjan, 2011, 85). مطالعه کوپیدورا در لهستان نشان می‌دهد که فرایند اصلاحات ارضی با مبادله داوطلبانه قطعات زراعی، حمایت سازمان‌های محلی، ارتقای ظرفیت‌های تولید کشاورزان محلی، و تغییر در ساختار اراضی و مالکیت آن، ضریب موفقیت پروژه‌ها را افزایش داده است (Kupidura, 2010, 161-2). مطالعه دیمتریوس در قبرس نشان می‌دهد که سیاست‌های یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی در قالب پروژه‌های گروهی مبتنی بر همکاری داوطلبانه کشاورزان و کسب توافق آنها، از موفق‌ترین رویکردهای یکپارچه‌سازی است. این اقدامات در ۷۳ پروژه با ۱۷۵۵۲ هکتار در سال ۲۰۰۳ تکمیل شد (Demetriou et al., 2010, 6). در مطالعه دیما در رومانی، ضمن بررسی اهمیت سرمایه‌های اجتماعی به‌ویژه مشارکت و اعتماد متقابل کشاورزان- در موفقیت پروژه‌های یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی، پیش‌شرط‌های موفقیت این پروژه‌ها چنین معرفی می‌شود: یکپارچه‌سازی بایستی در بطن و زمینه توسعه روستایی باشد؛ بر آگاهی عمومی و متقاعدکردن کشاورزان قدیمی به‌عنوان بخشی از طرح تمرکز یابد؛ و رویکرد پایین به بالا داشته باشد (Dima, 2010, 434).

در پروژه‌های یکپارچه‌سازی زمین‌های ناحیه پاسکلانی در لیتوانی، حمایت نخبگان محلی و همکاری داوطلبانه بهره‌برداران به بهبود ساختار زمین‌های کشاورزی و اندازه قطعات، دسترسی

محلی به سامانه حمل‌ونقل، و توسعه ظرفیت‌های تولیدی بهره‌برداران ذی‌نفع منجر شده است (Blaabjerg & Hartvigsen, 2003, 2-3). افزون بر این، بررسی سیاست‌های یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی در کوزوو و لیتوانی نشان می‌دهد که اثربخشی فعالیت‌های داوطلبانه به دلیل اعتماد متقابل اعضا و مشارکت فعال آنها در مقایسه با فعالیت‌های دولتی بیشتر است (Pasakarnis & Maliene, 2010).

مطالعه آکایا در خصوص اثربخشی اجرای سیاست یکپارچه‌سازی اراضی روستای کارکین در استان قونیة ترکیه به این نتیجه رسید که سیاست‌های دولتی طی ۴۵ سال از نظر ترتیبات و فعالیت‌های حقوقی کارایی خوبی نداشتند، ولی فعالیت‌های محلی مبتنی بر آگاهی محلی، اعتماد، و همکاری متقابل بهره‌برداران توانسته است موفقیت بیشتری کسب کند (Akkaya et al., 2007). مطالعه هنریکسون و رورکه در مناطق روستایی دانمارک، حاکی از آن است که تمایل به همکاری گروهی بین بهره‌برداران کشاورزی، با اندازه مزارع و سطح سرمایه اجتماعی، و تخصصی‌شدن تولید محصولات رابطه نزدیکی دارد (Henriksen & O'Rourke, 2005). به عقیده گالگو (۲۰۰۷) سطح بالای همکاری در بهره‌برداری‌های کشاورزی با میزان اعتماد، مشارکت، و فعالیت شبکه‌های محلی مرتبط است. وی از سرمایه اجتماعی با نام روح همکاری یا انجمن^۱ یاد می‌کند، و فقدان اعتماد متقابل را دلیل اصلی عدم موفقیت تعاونی‌های اعتبار در جنوب ایتالیا و تعاونی‌های دامداران در بلژیک برمی‌شمارد (Van der Hallen, 2009).

مطالعه معظمی در ایران نشان می‌دهد که ابعاد سرمایه اجتماعی - به‌ویژه اعتماد متقابل و مشارکت و نگرش بهره‌برداران در استفاده گروهی از منابع - زمینه مناسبی را برای استفاده از برنامه‌های اعتباری خرد گروهی مهیا کرده است. همین امر در پروژه‌های یکپارچه‌سازی اراضی با توجه به حفظ روابط و تسهیل اقدام و فعالیت جمعی و کار گروهی اهمیت بسزایی دارد (Moazami, 2006). به اعتقاد وثوقی (۱۳۸۲) بعد از اجرای اصلاحات ارضی در ایران، دولت

1. Spirit of Association

سیاست یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی را پیگیری کرد که به دلایل متعددی نتوانست اعتماد کشاورزان را به دست بیاورد و در نهایت جز موارد معدودی با شکست مواجه شد. ولی در بعضی از مناطق کشور، تشکل‌های محلی با بهره‌گیری از دانش بومی و اعتماد محلی توانستند به نتایج خوبی دست پیدا کنند. مطالعه افتخاری و همکاران (۱۳۸۵) در دهستان خرارود (شهرستان خدابنده - استان زنجان) نشان می‌دهد که عرضه اعتبارات خرد به صورت گروهی به کشاورزان، به ایجاد تشکل‌های گروهی غیررسمی بر پایه اعتماد و همکاری متقابل منجر شده است، که در یکپارچه‌سازی زمین‌های پراکنده ذی‌نفعان و تغییر در ساختار مدیریت زمین‌ها بسیار مؤثر است. یافته‌های عینالی و همکاران (۱۳۹۲) در شهرستان خدابنده (استان زنجان) نشان می‌دهد که تشکیل گروه‌های خودخوش، اقدامی مناسب برای یکپارچه‌سازی زمین‌های پراکنده با روش موافقت گروهی بوده، که در نتیجه آن تعداد قطعات متعلق به هریک از بهره‌برداران مشمول طرح کاهش یافته است. با توجه به مبانی نظری تحقیق، مدل مفهومی نقش سرمایه اجتماعی بهره‌برداران کوچک مقیاس در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با یکپارچه‌سازی زمین‌های پراکنده در قالب گروه‌های خودخوش محلی، در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی نقش سرمایه اجتماعی بهره‌برداران در تصمیم‌گیری برای یکپارچه‌سازی اراضی

منبع: اقتباس از Gomez-Limon et al., 2012, 27 و Moazami, 2006, 69

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر میزان نظارت و درجه کنترل متغیرها بدون آزمایش و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی و پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش ۲۸۰ نفر از بهره‌برداران کشاورزی ساکن در روستاهای اردلان، دشتکه و آزانبار از توابع دهستان حصار ولی عصر (شهرستان آوج- استان قزوین) بودند.

با توجه به فرض اولیه (افراد دارای صفت= ۷۰) و (افراد فاقد صفت= ۳۰) و صحت گفتار (۱/۹۶) با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۵۰ نفر از بهره‌برداران مشارکت‌کننده در پروژه‌های یکپارچه‌سازی توافقی اراضی پراکنده به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. با توجه به تعداد پروژه‌های اجراشده در هر روستا و تعداد بهره‌برداران، پرسشنامه تهیه‌شده بین بهره‌برداران به‌شیوه تصادفی ساده توزیع گردید.

از ابزار پرسش‌نامه برای سنجش نقش سرمایه اجتماعی در ابعاد همکاری و مشارکت، اعتماد اجتماعی، تشکلهای و شبکه‌های محلی، و انسجام گروهی (به‌عنوان متغیرهای مستقل) به‌منظور کمی‌سازی دیدگاه‌ها استفاده شد (جدول ۱) و ضریب یکپارچه‌سازی اراضی نیز به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد. روایی پرسشنامه را گروهی از متخصصان تأیید کردند^۱ و پایایی متغیرها با استفاده از آلفای کرونباخ به‌میزان ۰/۹۳۷ محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل کمی داده‌ها از آزمون‌های تحلیل واریانس، کروسکال والیس، همبستگی پیرسون و تحلیل عاملی استفاده شد.

۱. به‌منظور بررسی محتوای پرسشنامه و گویه‌های آن بعد از تکمیل ۲۰ مورد به‌صورت پیش‌آزمون در منطقه، از نظر ۳ نفر از اعضای هیئت علمی رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه‌های زنجان، مازندران و گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی دانشگاه زنجان و ۲ نفر از اعضای هیئت علمی مرکز تحقیقات جهاد کشاورزی استان زنجان استفاده شد.

جدول ۱. مؤلفه‌های تحقیق برای سنجش کمی سرمایه اجتماعی و ابعاد آن

مؤلفه‌ها	گویه‌ها
مشارکت و همکاری	هم‌فکری اعضا، همکاری با سایر بهره‌برداران، مشارکت در به‌کارگیری سیستم آبیاری جدید، همکاری با اعضای گروه در ایجاد و نگهداری از تأسیسات عمومی، مشارکت در تأمین منابع مالی اجرای پروژه، مشورت با کارشناسان مراکز خدمات کشاورزی، ایفای نقش در امور مربوط به مدیریت مزرعه، نقش مدیریت اشتراکی منبع آب در یکپارچه‌سازی، و مانند اینها.
اعتماد اجتماعی	اعتماد به اعضای گروه (افراد فامیل عضو)، اعتماد به صاحبان زمین‌های همسایه، اعتماد به افراد غیرفامیل عضو گروه، اعتماد به دیدگاه‌های کشاورزان نمونه، پذیرش نظر افراد باتجربه در تجمع، نقش اعتماد در پیشبرد امور، ذهنیت مثبت در اقدام برای بهبود امور یکپارچه‌سازی، نقش اعتماد در سرمایه‌گذاری مشترک در منبع آب، و مانند اینها.
تشکل‌ها و شبکه‌های محلی	تعامل بین اعضای گروه، اشتراک‌گذاری اطلاعات، نقش اقدام گروهی در تسهیل همکاری بین بهره‌برداران، تسهیل اقدامات از طریق بهبود دسترسی به اعتبارات، نقش گروه‌های خودجوش در استفاده از دانش فنی کارشناسان، سهم‌شدن در مدیریت تجهیزات مشترک، هماهنگی در تصمیمات بر اساس خرد جمعی، بهبود ارتباطات بین بهره‌برداران و مسئولان، و مانند اینها.
انسجام گروهی	هم‌فکری و مشورت با سایر بهره‌برداران، پذیرش دیدگاه‌های اعضای گروه، برابری در تصمیم‌گیری در امور گروه، توجه به منافع جمعی در تصمیم‌گیری‌ها، تشکیل گروه بر مبنای مدیریت اشتراکی منابع، نقش انسجام درون‌گروهی در اقدام به یکپارچه‌سازی، پذیرش دیدگاه کشاورزان پیشرو، توسعه و بهبود روابط درون‌گروهی، و مانند اینها.

منبع: یافته‌های تحقیق با استفاده از مطالعات نظری

یافته‌های تحقیق

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی نشان می‌دهند که از بین پاسخگویان در گروه سنی ۳۰-۴۰ سال با ۷۱ درصد و از نظر سطح سواد، مقطع راهنمایی با ۴۰ درصد، بیشترین تعداد را دارند. شغل اصلی ۷۶ درصد پاسخگویان، کشاورزی است و سابقه فعالیت در زمینه کشاورزی بین ۶۱ درصد از پاسخگویان بیش از ۲۰ سال است و از نظر مدیریت امور، ۸۷ درصد به‌شیوه فردی مزارع‌شان را اداره می‌کردند (جدول ۲).

جدول ۲. یافته‌های توصیفی تحقیق

مؤلفه	بیشترین پاسخگو	تعداد	درصد
سن پاسخگو	۳۰ تا ۴۰ سال	۱۰۷	۷۱/۳
سطح سواد پاسخگو	راهنمایی	۶۰	۴۰
شغل اصلی پاسخگو	کشاورز	۱۱۴	۷۶
سابقه فعالیت در کشاورزی	۲۰ تا ۲۵ سال	۹۱	۶۰/۷
مدیریت اراضی	فردی	۱۳۱	۸۷/۳

برای بررسی نقش سرمایه اجتماعی بهره‌برداران در ابعاد اعتماد، انسجام، شبکه‌های محلی و خودجوش، و مشارکت در فرایند تشکیل گروه‌های همکار به منظور زمینه‌سازی برای اتخاذ تصمیم‌های مرتبط با یکپارچه‌سازی گروهی زمین‌های پراکنده در بین کشاورزان در سه روستای مطالعه‌شده در محدوده سیاسی دهستان حصار ولی عصر، از تحلیل واریانس استفاده شد. همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد، طبق نتایج تحلیل فضایی یافته‌ها، تفاوت معناداری در سطح ۹۵ درصد بین بهره‌برداران مشارکت‌کننده در اقدامات یکپارچه‌سازی گروهی از نظر برخورداری از میانگین عددی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت که میزان برخورداری از ابعاد سرمایه‌های اجتماعی در یکپارچه‌سازی زمین‌های پراکنده بهره‌برداران در سه روستای مطالعه‌شده تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد، که دلیل آن را می‌توان در ویژگی‌های ساختار اجتماعی روستایی حاکم در منطقه و دارابودن ارتباطات نسبی و سببی بین اعضای گروه‌های خودجوش جست‌وجو کرد.

جدول ۳. تحلیل معناداری تفاوت نقش سرمایه اجتماعی بهره‌برداران در یکپارچه‌سازی اراضی پراکنده با استفاده از آزمون تحلیل واریانس

مؤلفه‌ها	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره آزمون F	سطح معناداری
واریانس بین گروه‌ها	۰/۷۶۹	۲	۰/۳۸۵	۰/۹۱۷	۰/۴۰۲
واریانس درون گروه‌ها	۶۱/۶۵۱	۱۴۷	۰/۴۱۹		
کل واریانس	۶۲/۴۲۰	۱۴۹			

با توجه به نقش مؤثر سرمایه اجتماعی در اقدام به یکپارچه‌سازی میان بهره‌برداران کوچک، در این بخش از تحقیق، میانگین رتبه‌های مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در روستاهای نمونه تحقیق بررسی می‌شود تا میزان سرمایه اجتماعی بهره‌برداران در هریک از روستاهای بررسی‌شده بهتر مشخص شود. برای این منظور از آزمون ناپارامتری کروسکال والیس استفاده گردید. نتایج جدول ۴ نشان می‌دهند که تفاوت در رتبه‌های مؤلفه‌ها در سطح ۹۵ درصد معنادار نیست. در پروژه‌های یکپارچه‌سازی اراضی، درخصوص مؤلفه میزان مشارکت و همکاری بهره‌برداران و همچنین مؤلفه انسجام بین اعضای گروه، بهره‌برداران مشمول طرح در روستای آزانبار؛ و در مؤلفه‌های اعتماد بین اعضای گروه و نیز کارایی تشکلهای و شبکه‌های محلی بهره‌برداران مشمول طرح در روستای دشتک دارای بالاترین میانگین رتبه‌ای بین روستاهای نمونه بودند.

جدول ۴. میانگین رتبه‌های ابعاد سرمایه اجتماعی متعلق به هریک از روستاها

میانگین رتبه‌های مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی				تعداد نمونه	روستاهای مطالعه‌شده
انسجام گروهی	کارایی تشکلهای و شبکه‌های محلی	اعتماد بین اعضای گروه	مشارکت و همکاری		
۷۵/۲۶	۷۲/۰۰	۷۶/۲۱	۷۴/۷۵	۵۵	اردلان
۷۵/۴۹	۷۹/۷۶	۷۹/۷۶	۷۳/۲۲	۵۳	دشتک
۷۵/۸۲	۷۴/۷۰	۷۴/۰۷	۷۹/۳۷	۴۲	آزانبار
۰/۰۰۴	۰/۸۸۶	۰/۰۶۵	۰/۵۳۹		کای اسکوتر
۲	۲	۲	۲		درجه آزادی
۰/۹۹۸	۰/۶۴۲	۰/۹۶۸	۰/۷۶۴		معناداری

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

برای بررسی میزان همبستگی بین برخورداری بهره‌برداران از سرمایه اجتماعی و کاهش تعداد قطعات متعلق به هریک از آنها در فرایند یکپارچه‌سازی توافقی در قالب گروه‌های

خودجوش، از تحلیل همبستگی اسپیرمن استفاده شد. همان‌طور که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهند، بیشترین میزان همبستگی با کاهش تعداد قطعات بهره‌برداران به ترتیب با ابعاد اعتماد اجتماعی و شبکه‌ها و گروه‌های محلی است و کمترین آن نیز به انسجام گروهی اختصاص دارد. البته میزان معناداری در همه موارد در سطح ۹۹ درصد معنادار است، که نشان از همبستگی مستقیم ناقص دارد.

جدول ۵. تحلیل همبستگی بین ابعاد سرمایه اجتماعی و کاهش تعداد قطعات اراضی بهره‌برداران مشمول پروژه‌های یکپارچه‌سازی اراضی

سطح معناداری	تعداد قطعات کاهش یافته در فرایند یکپارچه‌سازی توافقی	روستاهای مطالعه‌شده
۰/۰۰۰	۰/۴۶۰**	میانگین اعتماد اجتماعی بهره‌برداران
۰/۰۰۲	۰/۳۳۴**	میانگین انسجام گروهی بهره‌برداران
۰/۰۰۲	۰/۳۵۵**	میانگین مشارکت اجتماعی بهره‌برداران
۰/۰۰۰	۰/۴۱۸**	میانگین شبکه‌ها و گروه‌های محلی
	۱۵۰	تعداد

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

در این بخش از مطالعه، به منظور ارزیابی عوامل و متغیرهای مؤثر و میزان اهمیت آنها در یکپارچه‌سازی زمین‌ها از دیدگاه پاسخگویان مشمول پروژه‌های اجراشده در منطقه، از آزمون آماری تحلیل عاملی استفاده شد. برای آزمون مناسب بودن داده‌های مربوط به مجموعه متغیرهای تحلیل‌شده، از آزمون Bartlett و KMO بهره گرفته شد. معناداری آزمون بارتلت در سطح اطمینان ۹۹ درصد و مقدار بالای ضریب KMO به دست آمده، نشان‌دهنده همبستگی خیلی خوب بین داده‌هاست و حاکی از آن است که برای انجام تحلیل عاملی مناسب‌اند (جدول ۶).

جدول ۶. مقدار ضریب KMO و بار تلت برای بیان تناسب داده‌ها به منظور انجام تحلیل عاملی

مجموعه تحلیل شده	مقدار KMO	مقدار بار تلت	درجه آزادی	معناداری
نقش سرمایه‌های اجتماعی در یکپارچه‌سازی زمین‌ها	۰/۸۴۸	۱۹۲۳/۶۱۷	۴۰۶	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

با توجه به مناسب بودن داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی، در ادامه ۳۲ متغیر استخراج شده از پرسشنامه با بهره‌گیری از آزمون تحلیل عاملی تحلیل شد. پس از تقلیل متغیرها، ۶ عامل به دست آمد که ۷۰/۱۰ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند. مقادیر ویژه، اهمیت اکتشافی عامل‌ها را در پیوند با متغیرها نشان می‌دهند و میزان آن بیانگر نقش آن در تبیین واریانس متغیرهاست (زارع چاهوکی، ۱۳۸۹، ۱۳). عامل‌های استخراج شده به همراه میزان مقادیر ویژه و درصد واریانس آنها در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول ۷. خلاصه تحلیل عاملی نقش سرمایه اجتماعی در یکپارچه‌سازی زمین‌های بهره‌برداران

ردیف	نام عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	اعتماد متقابل بین بهره‌برداران	۷/۷۸	۱۹/۳۹	۱۹/۳۹
۲	مشارکت و همکاری اعضا	۶/۸۶	۱۷/۱۸	۳۶/۵۷
۳	انسجام اجتماعی و مدیریت اشتراکی	۴/۳۴	۱۱/۵۶	۴۸/۱۳
۴	مشورت و همفکری بین اعضا	۳/۰۴	۸/۷۵	۵۶/۸۸
۵	پذیرش دیدگاه‌ها	۲/۸۶	۶/۸۷	۶۳/۷۵
۶	ارتباطات و تعامل	۲/۳۵	۶/۳۶	۷۰/۱۱

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

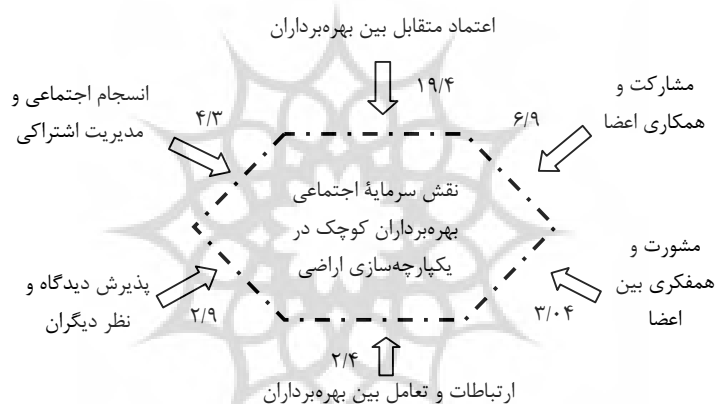
نتیجه تجزیه و تحلیل عامل‌ها با بهره‌گیری از روش مؤلفه اصلی و با استفاده از چرخش عاملی به شیوه واریماکس، بیانگر استخراج ۷ عامل به شرح جدول ۸ است.

جدول ۸. عامل‌ها و بار عاملی نقش سرمایه اجتماعی بهره‌برداران در یکپارچه‌سازی زمین‌های پراکنده

بار عاملی	متغیر	عامل
۰/۷۰۶	اعتماد به اعضای گروه (افراد فامیل عضو)	اعتماد متقابل بین بهره‌برداران
۰/۶۸۹	اعتماد به صاحبان اراضی همسایه	
۰/۶۲۵	نقش مدیریت اشتراکی منبع آب در یکپارچه‌سازی	
۰/۶۰۷	اعتماد به افراد غیرفامیل عضو گروه	
۰/۵۹۰	اعتماد به دیدگاه‌های کشاورزان نمونه درباره تجمیع اراضی	
۰/۵۶۳	همکاری با اعضای گروه در ایجاد و نگهداری از تأسیسات عمومی	
۰/۵۵۸	اعتماد به مؤثرتر بودن تصمیمات جمعی اعضا	مشارکت و همکاری اعضا
۰/۷۳۳	همکاری با سایر بهره‌برداران (حتی با مخالفان خود)	
۰/۷۳۱	مشارکت در به‌کارگیری سیستم آبیاری تحت فشار	
۰/۶۲۸	حق مساوی در اظهارنظر در امور گروه	
۰/۶۱۳	همکاری با نهادهای محلی در مدیریت مزرعه	
۰/۵۲۲	اشتراک‌گذاری اطلاعات و ایده‌ها	
۰/۵۰۱	توجه به نقش منافع مشترک در یکپارچه‌سازی زمین‌ها	انسجام اجتماعی و مدیریت اشتراکی
۰/۶۴۹	ایفای نقش در امور مربوط به مدیریت مزرعه	
۰/۶۲۵	توجه به منافع جمعی در تصمیم‌گیری‌ها	
۰/۵۸۴	تشکیل گروه بر مبنای مدیریت اشتراکی منابع آن	
۰/۵۲۴	نقش سرمایه‌گذاری مشترک در منبع آب	
۰/۵۰۲	تسهیل اقدامات در جابه‌جایی قطعات	مشورت و همفکری بین اعضا
۰/۷۳۰	مشورت با کارشناسانی در زمینه کمک‌های مالی و فکری	
۰/۶۵۶	مشورت با کارشناسان مرکز خدمات کشاورزی در یکپارچه‌سازی	
۰/۶۲۸	سهیم‌شدن در مدیریت تجهیزات مشترک	
۰/۵۴۵	تصورات مثبت در اقدام برای بهبود امور یکپارچه‌سازی	پذیرش دیدگاه‌های سایر اعضای گروه
۰/۸۳۴	نقش انسجام درون‌گروهی در یکپارچه‌سازی	
۰/۶۸۲	پذیرش نظر افراد باتجربه در تجمیع قطعات	
۰/۵۴۸	پذیرش دیدگاه کشاورزان پیشرو	ارتباطات و تعامل بین بهره‌برداران
۰/۷۴۸	توسعه و بهبود روابط درون‌گروهی	
۰/۵۴۲	بهبود ارتباطات بهره‌برداران با مسئولان	
۰/۷۸۶	هماهنگی در تصمیمات براساس خرد جمعی	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

همان‌طور که یافته‌های تحلیل عاملی جدول ۸ نشان می‌دهند، سه عامل اعتماد متقابل بین بهره‌برداران (با مقدار ویژه ۷/۸ و ۱۹/۳۹ درصد از واریانس)، مشارکت و همکاری اعضا (با مقدار ویژه ۶/۷ و ۱۷/۲ درصد واریانس) و انسجام اجتماعی و مدیریت اشتراکی (با مقدار ویژه ۴/۳ و ۱۱/۵۶ درصد واریانس) که عمدتاً با ساختار اجتماعی مناطق روستایی در ارتباط نزدیک هستند، دارای بیشترین اهمیت‌اند. عوامل مذکور نزدیک به ۵۰ درصد کل واریانس را از دیدگاه بهره‌برداران مشمول پروژه‌های یکپارچه‌سازی اجرا شده تشکیل می‌دهند.



شکل ۲. تحلیل عاملی نقش سرمایه اجتماعی بهره‌برداران در یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۲

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکپارچه‌سازی زمین‌ها در بیشتر کشورهای در حال توسعه - که با چالش‌های متعدد ساختاری در توسعه مناطق روستایی مواجه‌اند- به‌عنوان راه‌حلی منطقی برای بهبود ساختار مالکیت زمین‌های کشاورزی از طریق کاستن از تقطیع و پراکنش فضایی و تأثیرات ناشی از آنها مطرح است. تجربه کشورهای موفق در این زمینه حاکی از آن است که اتخاذ رویکردهای مشارکتی،

جلب همکاری جامعه محلی، و توجه به نقش سرمایه‌های اجتماعی بهره‌برداران می‌تواند زمینه را برای مدیریت منابع تولیدی در حیطه کشاورزی از طریق تقویت مشارکت فعال بهره‌برداران و فعالیت شبکه‌های محلی فراهم کند. سرمایه اجتماعی، نتیجه نهایی تجدید حیات اقتصادی-اجتماعی پایدار و توسعه جامعه محلی را تقویت می‌کند. سرمایه اجتماعی با توجه به کارکرد آن در اشتراک‌گذاری اطلاعات مفید، تسهیل ظرفیت‌های همکاری و اقدام جمعی و همچنین رفع مسائل و چالش‌های موجود، زمینه را برای اجرای موفق‌تر پروژه‌های یکپارچه‌سازی زمین‌ها فراهم می‌سازد. در ادامه به نتایج مطالعه حاضر اشاره می‌شود.

- نتایج حاصل از بررسی واریانس ابعاد سرمایه اجتماعی بهره‌برداران (در قالب مجموع شاخص‌های مطالعه‌شده) در خصوص اتخاذ تصمیمات مرتبط با یکپارچه‌سازی زمین‌های پراکنده در روستاهای دارای این پدیده نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در میزان میانگین ابعاد سرمایه اجتماعی بین بهره‌برداران وجود ندارد. دلیل این عدم تفاوت را می‌توان در ساختار گروه‌های محلی تشکیل‌شده و مالکیت و مدیریت مشارکتی منابع تولید به‌ویژه منبع تأمین آب دانست.

- نتایج حاصل از میانگین رتبه‌های مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در روستاهای نمونه نشان می‌دهند که در پروژه‌هایی که یکپارچه‌سازی زمین‌ها به‌شیوه گروهی اجرا شده است، در مؤلفه میزان مشارکت و همکاری بهره‌برداران و مؤلفه انسجام بین اعضای گروه، بهره‌برداران مشمول طرح در روستای آزانبار؛ و در مؤلفه‌های اعتماد بین اعضای گروه و نیز کارایی شکل‌ها و شبکه‌های محلی، بهره‌برداران مشمول طرح در روستای دشتک دارای بالاترین میانگین رتبه‌ای بین روستاهای نمونه بودند.

- یافته‌های حاصل از استفاده از تحلیل ناپارامتری همبستگی نشان می‌دهند که بین ابعاد سرمایه اجتماعی بهره‌برداران و کاهش تعداد قطعات متعلق به هریک از آنها رابطه

معناداری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد. در این میان، اعتماد اجتماعی بالاترین و انسجام اجتماعی پایین‌ترین میزان همبستگی را در کاهش قطعات در اثر یکپارچه‌سازی داشتند.

• نتایج حاصل از تحلیل عاملی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در یکپارچه‌سازی زمین‌ها از دیدگاه پاسخگویان در پروژه‌های اجراشده، نشان می‌دهند که نتیجه کاهش متغیرها در قالب ۶ عامل اصلی سامان‌دهی شده است که در مجموع ۷۰/۱ درصد از واریانس را تبیین می‌کند. بدین ترتیب از بین عوامل استخراج‌شده، سه عامل اعتماد متقابل بین بهره‌برداران (با ۱۹/۳۹ درصد)، مشارکت و همکاری اعضا (با ۱۷/۲ درصد) و انسجام اجتماعی و مدیریت اشتراکی (با ۱۱/۵۶ درصد) که عمدتاً با ساختار اجتماعی مناطق روستایی ارتباط نزدیکی دارند، در مجموع نزدیک به ۵۰ درصد از کل واریانس را از دیدگاه بهره‌برداران مشمول پروژه‌های اجراشده یکپارچه‌سازی به خود اختصاص دادند، که بیانگر تأثیر سرمایه اجتماعی در یکپارچه‌سازی زمین‌های پراکنده بهره‌برداران است.

با توجه به یافته‌های تحقیق، به نظر می‌رسد که به‌رغم مسائل و مشکلاتی که جوامع محلی دچار آن هستند، شکل‌گیری همکاری‌های سنتی در اجتماعات محلی براساس اعتماد متقابل و مدیریت مشارکتی منابع تولید و همچنین خرد جمعی، توانایی کاستن از چالش‌های متعدد مناطق روستایی را به‌صورت پایدار دارد. در این ساختار، وجدان عامل نظارتی مؤثری قلمداد می‌شود، که هیچ قانون و مقررات رسمی الزام‌آوری قادر نیست جایگزین آن شود. بنابراین با توجه به عملکرد خوب سرمایه اجتماعی در یکپارچه‌سازی زمین‌های کشاورزی پیشنهادهایی در اینجا ارائه می‌شود.

• از آنجا که اعتماد متقابل بین اعضای گروه بیشترین اهمیت را در موفقیت پروژه‌های یکپارچه‌سازی خودجوش زمین‌ها دارد، می‌توان از این عامل در جهت ساماندهی بهتر زمین‌ها و زمینه‌سازی برای ارتقای بهره‌وری عوامل تولید از طریق تشویق مالکیت منابع تولید به‌صورت اشتراکی بهره‌گرفت.

- استفاده از سرمایه اجتماعی به‌ویژه اعتماد، مشارکت، و شبکه‌های محلی در جهت تقویت تعاونی‌ها و تسری دادن آن به سایر زمینه‌های اقتصادی-اجتماعی مرتبط با کشاورزان از قبیل بازاریابی تولیدات، آماده‌سازی محصول، و مانند اینها.
- تقویت استفاده از خرد جمعی در جهت حل چالش‌های ساختاری کشاورزی و مدیریت آب و خاک.

منابع

- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، عینالی، جمشید و سجاسی، حمدا..، ۱۳۸۵، ارزیابی اثرات اعتبارات خرد بانکی در توسعه کشاورزی از طریق ایجاد تعاونی‌های خودجوش، مطالعه موردی: شهرستان خدابنده، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۴، شماره ۵۶، صص. ۴۵-۷۶.
- پاتنام، رابرت، ۱۳۸۰، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، چاپ اول، انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور، تهران.
- عینالی، جمشید، فراهانی، حسین و سهرابی‌وفا، سمیرا، ۱۳۹۲، ارزیابی نقش یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در بهبود کارایی عوامل تولید در بهره‌برداری‌های آبی، مطالعه موردی: دهستان خرابود-شهرستان خدابنده، اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۲، شماره ۱، صص. ۵۱-۶۹.
- وئوقی، م.، ۱۳۸۲، یکپارچگی اراضی: تجربه‌ای ناموفق در چارچوب طرح‌های دولتی اما موفق در قالب دانش بومی، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال ۱۱، شماره ۲، صص. ۳۵-۶۵.
- Akkaya Aslan, S.T., Gundogdu, K.S., Yaslioglu, E., Kirmikil, M. and Arici, I., 2007, **Personal, Physical and Socioeconomic Factors Affecting Farmers Adoption of Land Consolidation**, Spanish Journal of Agricultural Research 2007 5(2), PP. 204-213.
- Ayranci, Y., 2009, **A Method for the Construction of a New Reallocation Plan in Land Consolidation and its Application**, Philip Agric Scientist, Vol. 92, No. 3, PP. 254-264. September 2009.
- Basile, E. and Cecchi, C., 2007, **Building Social Capital in Rural Areas: Does Public Action Help?**, Restructuring in Marginal Rural Areas (Restrim

- ESTRIM), The International Centre for Development Studies, University of Aberdeen, GB.
- Blaabjerg, E. and Hartvigsen, M., 2003, **Land Consolidation Project, Puskelnai Area, Lithuania Preliminary Study**, Baseline Report, Danish Ministry of Food, Agriculture and Fisheries, Land Consolidation Division, April 2003.
- Childress M., 2001, **Land Consolidation and Agricultural Services in Albania**, Prepared for Centre for the Study of Transition and Development (CESTRAD) Conference: Transition, Institutions and the Rural Sector, Institute of Social Studies, The Hague, 10–11 December.
- Coleman, J.S., 2002, **Social Capital in the Creation of Human Capital**, In: Calhoun, C. and Others: Contemporary Sociological Theory, Oxford: Blackwell, PP. 110-125.
- Demetriou, D., Stillwell, J. and See, L., 2010, **Landspaces: A Design Module for Land Consolidation: Method and Application**, Working Paper 10/07, University of Leeds, September 2010.
- Dima, A.B., 2010, **Some Aspects Regarding the Necessity of Implementing the Agricultural Land Consolidation Projects in Romania**, Research Journal of Agricultural Science, 42 (3), PP. 432-437.
- Evans, M. and Syrett, S., 2010, **Generating Social Capital? The Social Economy and Local Economic Development**, European Urban and Regional Studies 14, PP. 55-74.
- FAO, 2008, **Opportunities to Mainstream Land Consolidation in Rural Development Programmes of the European Union**, FAO Land Tenure Policy Series, Rome, <ftp://ftp.fao.org/docrep/fao/011/i0091e/i0091e00.pdf>.
- Gallego, D., 2007, **Más allá de la economía de Mercado**, Los condicionantes históricos del desarrollo economic, Madrid: Marcial Pons-Prensas Universitarias de Zaragoza.
- Gómez-Limón, J.A., Vera-Toscano, E. and Garrido-Fernández, F.E., 2012, **Farmers' Contribution to Agricultural Social Capital: Evidence from Southern Spain**, Instituto de Estudios Sociales Avanzados (IESA), Working paper series, October 2012, www.iesa.csic.es.
- Gülümser, A., Levent, T., Nijkamp, P. and Poot, J., 2012, **The Role of Local and Newcomer Entrepreneurs in Rural Development: A Comparative Meta-analytic Study**, Research Memorandum 2012-1, Faculty of Economics and Business Administration, Vrije University Amsterdam.

- Henriksen, I., and K.H. O'Rourke, 2005, **Incentives, Technology and the Shift to Year-round Dairying in Late Nineteenth-century Denmark**, *Economic History Review*, LVIII, 3, PP. 520-554.
- Horjan, O., 2011, **Developing Land Consolidation Concept and Strategy in the Republic of Moldova**, State Agrarian University of Moldova, Baltic surveying 11, llufb.llu.lv/conference/Baltic/BALTIC-SURVEYING-2011-84-90.pdf.
- Ishihara, H. and Pascual, U., 2013, **Re-Politicizing Social Capital: Revisiting Social Capital and Collective Action in Common Pool Resource Management**, UNU-IAS Working Paper No. 170, March 2013, www.ias.unu.edu/resource/Working-Paper-170_Hiroe_Ishihara.pdf.
- Khan, H.L.P., 2011, **The Role of Social Capital to Access Rural Credit: A case study at Dinh Cu and Van Quat Dong village in coastal of Thua Thien Hue Province- Vietnam**, Department of Urban and Rural Development, Swedish University of Agricultural sciences, Master Thesis, No. 56.
- Kupidura A., 2010, **Management of the Agricultural Landscape in Land Consolidation Projects in Poland**, *The Problems of Landscape Ecology*, Vol. XXVIII, PP. 163–169.
- Moazami, M., 2006, **The Impacts of Social Capital on Land Consolidation Projects: a Case of Arak County- IRAN**, PP. 68- 103. In *Potential of Social Capital for Community Development*, APO, Tokyo, Japan, www.apo-tokyo.org.
- Nardone, G., Sisto, R., Lopolito, A., 2010, **Social Capital in the LEADER Initiative: A methodological approach**, *Journal of Rural Studies*, Vol. 26, PP. 63–72.
- Pašakarnis, G. & Malienė, V., 2010, **Towards Sustainable Rural Development in Central and Eastern Europe**, *Land Use Policy*, Vol. 27, PP. 545–549.
- Pašakarnis, G. and Maliene, V., 2011, **Land Consolidation in Lithuania: Aspiration and Actuality**, *Environmental Engineering*, The 8th International Conference, May 19–20, 2011, Vilnius, Lithuania, Selected papers, PP. 1424-1431, Online: <http://enviro.vgtu.lt>.
- Putnam, R.D., 1995, **Bowling Alone: America's Declining Social Capital**, *Journal of Democracy*, Vol. 6, PP. 65-78.
- Sabatini, F., 2009, **Social Capital as Social Networks: A new framework for measurement and an empirical analysis of its determinants and consequences**, *The Journal of Socio-Economics*, Vol. 38, PP. 429–442.

Van Der Hallen, P., 2009, **The Transaction Cost Approach and the Performance of the Belgian Dairy Co-operatives before 1940**, Working Paper Social and Cooperative Entrepreneurship SCE-09.02.

Vera-Toscano, E., Garrido-Fernández, F., Gómez-Limón, J. and Cañadas-Reche, J., 2012, **Are Theories About Social Capital Empirically Supported? Evidence from the Farming Sector**, Soc Indic Res, Springer, Published online: 30 November 2012, DOI 10.1007/s11205-012-0205-7.

